
تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی

شیمای نصرتی*، دکتر ابوالفضل ذوالفقاری**

چکیده:

سبکهای زندگی در دوران مدرن شکل دهنده هویت شخصی و اجتماعی افراد هستند. با این حال، همین سبکها متأثر از عوامل بسیاری چون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و همین طور مذهب اند. از آنجا که در جامعه ایرانی مذهب رکن اساسی زندگی فردی و اجتماعی تلقی می‌شود، در این مقاله با توجه به نظرات پیر بوردیو، دین به عنوان یک سرمایه مؤثر بر سبکهای زندگی جوانان در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، جوانان ۱۸-۲۹ ساله ساکن در مناطق بالا و پایین شهر تهران و حجم نمونه ۲۹۴ نفر بوده است. با استفاده از روش پیمایش به بررسی تطبیقی این سبکها پرداخته ایم و در نهایت با شناسایی انواع سبکهای زندگی سنتی، مدرن و ترکیبی، رابطه آنها با میزان دینداری افراد مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان دینداری پایین‌تر است، سبکهای زندگی، مدرن‌تر و هر چه افراد دیندارتر هستند، سبکهای زندگی، سنتی و غیر مدرن‌تر می‌شود. همچنین، در میان پنج مؤلفه اصلی سبک زندگی مورد بررسی در این پژوهش، مدیریت بدن و توجه به پدیده مد و مارک در مصرف مادی جوانان بیش از سایر مؤلفه‌های سبک زندگی تحت تأثیر مدرنیته بوده و شکل مدرن به خود گرفته است.

کلیدواژه‌ها

میزان دینداری، سبک زندگی، جوانان، مدرنیته، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه مذهبی

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. shima.nosrati@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. zolfaghariab@gmail.com

مقدمه

تغییرات به وجود آمده از زمان مارکس تا دوره کنونی در سرمایه داری و عبور از مرحله تولید به مرحله مصرف و در کنار آن بهبود وضعیت نسبی طبقات متوسط و پایین در اروپا و امریکا و رشد و گسترش طبقات متوسط، نوعی استقلال عمل فردی و آزادی انتخاب برای افراد ایجاد کردند و سبک‌های زندگی به عنوان پاسخ‌های کارکردی به نوگرایی پدید آمدند (چنی^۱، ۱۳۸۲). سبک زندگی بیانگر انواع الگوهای مصرف، اوقات فراغت، شیوه تعاملات و حتی تحولات فرهنگی پنهان در یک جامعه است. بنابراین با توجه به اهمیت سبک زندگی در جامعه مدرن، توجه به این مفهوم در جامعه ایرانی نیز که هم در معرض مدرنیته است و هم با بسیاری از شاخص‌های سبک زندگی مدرن از جمله مصرف، تحملات، پوشش، آرایش، اهمیت بدن، تفریح، لذت و غیره مواجه شده است، حائز اهمیت است. براساس نظریه‌های بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله وبر، زیمل، گیدنز، بوردیو و... امروزه تنها عامل اقتصادی، مثل آنچه مارکس می‌گفت، نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد و عوامل دیگر یا به تعبیر بوردیو سرمایه‌های دیگری چون سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و نمادین نیز بر کنش و سبک زندگی انسانها مؤثرند (استوری^۲، ۱۳۸۶). بنابراین، دین نیز به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی جامعه باعث می‌شود که افراد متأثر از آن بتوانند نگرشها، رفتارها و در نهایت سبک زندگی خود را از دیگران متمایز کنند.

اولین پژوهشگران سبک زندگی نیز ارزشها را اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی می‌دانستند و تأکید داشتند که شناخت ساختار ارزش‌های فردی اصلی‌ترین وظیفه برای درک سبک زندگی افراد است، به طور کلی طرفداران نقش ارزشها در شکل‌دادن به سبک زندگی معتقدند که ارزش‌های فعلی فرد تعیین‌کننده سبک زندگی اوست و ارزش‌های دینی را از جمله این ارزشها می‌دانند (فاضلی: ۸۹).

از آنجا که ایران نیز جامعه‌ای دینی است، دین همچون یک سرمایه، نقشی تأثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد. اما باید توجه داشت که قرار گرفتن در معرض مدرنیته و شاخص‌های آن از جمله عقلانیت، فردگرایی، مصرف‌گرایی و... همواره تغییراتی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین در فرهنگ و نگرش‌های دینی به دنبال خواهد داشت. به نحوی که محور اصلی تحقیقات جامعه‌شناسی دین نیز از ابتدا، جامعه نوین و تحولات برجسته‌ای بوده که در امر دین به وجود آورده است (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۲).

¹ Chaney
² Storey

همچنان که در جامعه غربی در طی این قرن، تحت تأثیر مدرن شدن تحولات بسیاری در همه حوزه‌های حیات اجتماعی از جمله دین رخ داده است، با صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه نیز فشارهای مشابهی برای عقلانی شدن نقشهای کاری، روابط اجتماعی و چارچوب سامان اجتماعی و مدنی بر این جوامع وارد آمده، به نحوی که، همچون غرب بر اهمیت و منزلت دین نیز، هر چند با شدت و وسعت کمتری تأثیر داشته است.

اما باید خاطر نشان کرد، برخوردی که میان ایران و جهان مدرن صورت گرفت، رفته رفته از تمام محتوای معرفت شناختی مدرن خود تهی شد. و به این ترتیب، "مد" جانشین عقل مدرن شد و ایرانیها مدرن شدند، بدون اینکه به شکلی مدرن بیندیشند. لباس مدرن بر تن کردند، ولی با همان سیاق ماقبل مدرن در مورد خود و دیگری به داوری پرداختند. مسلماً مدرنیته به آداب و عادات و آنچه سبک زندگی خوانده می‌شود راه یافت، اما فرایندهای عقلانی سازی و فردیت همچنان ناقص و ناتمام ماندند (جهانبگلو: ۲۳). به نحوی که تا به امروز اغلب تحلیلها و مطالعات جامعه شناختی، روان شناختی و بسیاری از حوزه‌های دیگر علوم انسانی با تضاد سنت و مدرنیته در ایران درگیرند و مسئله مورد نظر، یعنی رابطه دین و سبک زندگی هم در همین بستر قابل مطالعه است. از این رو، در مقاله حاضر بررسی سبکهای زندگی جوانان، که هم در معرض مدرنیته‌اند و هم در جامعه‌ای دینی رشد یافته‌اند مورد توجه بوده است. به نحوی که، سبک زندگی جوانان دیندار و کمتر دیندار بیشتر به کدام سمت متمایل بوده، و به عبارت، بهتر التزام دینی جوانان در ابعاد مختلف دینداری در چه مؤلفه‌هایی از سبک زندگی آنها مؤثر بوده است، یا در چه مؤلفه‌هایی بیشتر تحت تأثیر مدرنیته بوده‌اند تا دینداری و در نهایت تا چه میزان سبکهای زندگی آنها دستخوش همزیستی سنت و مدرنیته شده است.

مروری بر تحقیقات پیشین

در زمینه ارتباط دین و سبکهای زندگی تحقیقات داخلی اندکی موجود است که یا در جامعه آماری کاملاً دینی صورت گرفته یا اینکه دین به عنوان یکی از چند متغیر مستقل مورد سنجش واقع شده است، و در نهایت اینکه اغلب تحقیقات در کشورهایی اجرا شده که حضور دین در آنها بسیار کم‌رنگ‌تر از جوامعی چون ایران است. به هر حال در اینجا به اختصار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

- پژوهش محمدسعید مهدوی کنی با نام «دین و سبک زندگی» مطالعه‌ای موردی است. مورد این مطالعه «شرکت کنندگان یکی از جلسه‌های مذهبی هستند» و هدف آن بررسی رابطه آموزه‌های مذهبی مطرح شده در یکی از جلسات مذهبی با سبک زندگی شرکت کنندگان آن است. به عبارتی به گفته خود محقق، تنها وجوه و مؤلفه‌هایی که با آموزه‌های مبلغ مورد نظر مرتبط بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که اولاً میان آموزه‌های دینی مبلغ و مؤلفه‌های مورد نظر در سبک زندگی رابطه وجود دارد و دیگر اینکه از نظر پژوهشگر، اصولی بر این

روابط حاکم است که با کمی تسامح می‌توان آن را نوعی الگوی رفتارهای ترجیحی یا سبک زندگی نامید (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

تحقیق دیگر، کاری است با عنوان «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ» از دکتر تقی آزاد ارمکی و وحید شالچی. تحقیق در پی شناختی واگرایانه از جامعه و آن هم از منظر زندگی روزمره است. در این اثر با بهره‌مندی از الگوی تبیینی بوردیو به بررسی تطبیقی دو سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی و پسامدرن می‌پردازند و تاثیر متغیرهای مستقل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، نوع گرایش دینی و سیاسی و همچنین میزان اعتقاد به نگرش پدرسالارانه در خانواده بر گزینش سبک زندگی بررسی شده است. بر طبق این پژوهش سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی و نفی مصرف‌گرایی غربی بوده است. در مقابل در میان اقشار مرفه‌تر، شیوه زندگی متفاوتی شکل گرفته که با ویژگی‌هایی چون مد‌گرایی، گسترش ارتباط با جنس مخالف، تأثیر پذیری از جریانهای جهانی مصرفی و ... همراه است (آزاد و شالچی، ۱۳۸۴).

اما، در بخش تحقیقات خارجی، وثنو^۱ از جمله محققانی است که به صورت پیمایشی به دو جنبه پرداخته است، به این صورت که از طرفی جنبه‌های گوناگون سبک زندگی و از طرف دیگر نظام معنایی پاسخگویان را نشان داده است. وی تحقیقش را به بررسی رابطه نظام‌های معنایی و نگرش و تمایل افراد به کنش‌های اجتماعی و سبک‌های زندگی خاص محدود می‌سازد و به بررسی تأثیر عملی این نظام‌ها بر رفتار افراد نمی‌پردازد. او چهار نظام معنایی را از هم تمیز می‌دهد و مدعی می‌شود که توانسته است تأثیر زیادشان را در فراهم آوردن اقتضا یا

ایجاد مانع در مقابل بسیاری از انواع تجربه اجتماعی نشان دهد (مهدوی کنی: ۲۱۴).

کاتزگرو^۲، نیز در خصوص ارتباط دین و سبک زندگی نشان داده است که در آلمان، اسرائیل و ایتالیا هر قدر که افراد دیندارترند، کمتر در فعالیت و مصرف فرهنگی متعالی مشارکت می‌کنند، اما در امریکا و سوئد کاملاً برعکس است. وی مطالعه خود را در اسرائیل به صورت جدی‌تر تکرار کرده و نتیجه می‌گیرد که تفاوت کاملاً معناداری میان سبک زندگی افراد دیندار و افراد دارای گرایشات سکولاریستی وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۲).

بکت^۳ طی تحقیقی نشان داد که بسیاری از افراد برای توصیف رفتارهای غذایی خود از زبان دین استفاده می‌کنند (عباراتی مانند: گناه، وجدان، افراط، خشنودی، محرومیت). به خصوص هنگامی که صحبت از لذت‌های گناه‌آلود و افراط در چیزهای ناسالم است. اغلب مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق تصدیق می‌کردند که میان آنچه مطابق باورها برای خود خوب می‌دانند و عادات غذایی واقعی

¹ Wuthnow

² Katz-Gerro

³ Backett

ایشان هماهنگی وجود دارد (بکت، ۱۹۹۲). در مجموع در خصوص تحقیقات انجام شده بایستی این نکته را خاطر نشان کنیم که در پژوهشهای داخلی به دین و دینداری به تنهایی و بدون دخالت عوامل دیگر پرداخته نشد و یا جامعه آماری ترکیبی از افراد متجانس مذهبی بوده و در تحقیقات خارجی نیز دینداری در مفهوم اسلامی آن و همچنین در جنبه‌های مختلف سبک زندگی مورد سنجش واقع نشده است.

چارچوب مفهومی و نظری

نظریه پردازان علوم اجتماعی سبک زندگی را متأثر از عوامل بسیاری چون، عامل اقتصادی، ارزشها و نگرشها، دین، زمینه‌های اجتماعی و ... می‌دانند.

استیبنز^۱ از جمله کسانی است که بین ارزشها، نگرشها و ادراک شخصی با رفتارهای الگومند سبک زندگی پیوند برقرار می‌کند. وی در بررسی‌های خود نشان می‌دهد که در زندگی روزمره، برای افراد دشوار است که کنشهایشان را از انگیزشها و معانی شخصی که برای توضیح و توجیه آن کنشها به کار می‌برند جدا سازند. که البته این دیدگاه با نظریه‌های افراد دیگری چون گلیپتیس^۲ و همکارانش نیز همسو است (استیبنز: ۳۴۹).

جامعه‌شناسان دیگری چون سوبل^۳ سبک زندگی را تنها شامل الگوهای رفتاری عینی‌ای می‌دانند که کاملاً قابل مشاهده‌اند یا در نهایت مشاهده می‌شوند و آن را شامل ارزشها، نگرشها و درک شخصی نمی‌دانند (استیبنز: ۳۴۸).

اما پیر بوردیو با الهام از دیدگاه‌های کاسیرر^۴ معتقد است: مطالعه امور باید با توجه به روابطی که با هم دارند و فضایی که در آن به سر می‌برند، انجام پذیرد. و این فلسفه را فلسفه رابطه‌ای می‌نامد (بوردیو به نقل از مهدوی کنی: ۱۴۵). یعنی برای رهایی از عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی محض به ضرورت برقراری رابطه دیالکتیکی میان شرایط ساختاری امکان‌پذیری و استفاده کنشگران از امکانات می‌پردازد (چنی: ۱۰۱).

در این مقاله، رویکرد نظری بوردیو به سبک زندگی که برگرفته از همان فلسفه دیالکتیکی وی است و تمایزاتی را که (پایه شکل‌گیری سبکهای زندگی است) از رهگذر شیوه‌های مختلف تملک سرمایه (چه اقتصادی و چه فرهنگی) بررسی می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. بوردیو روش نهادی شدن فلسفه دیالکتیکی اش را از رهگذر مفهوم عادت واره میسر می‌داند که همان نظامهای گرایشی با دوام و قابل انتقال و بستر شکل‌گیری سلايق متفاوت‌اند (چنی: ۱۰۳) و در واقع می‌تواند مصداق

¹ Stebbins

² Glyptis

³ Sobel

⁴ Cassirer

روح دینی در جامعه ایرانی باشد که به نوعی در ذهن افراد جامعه درونی شده و قابل انتقال نیز هست. اما مفهوم بسیار اساسی در آرای بوردیو که ما را در مطالعه تأثیر دینداری بر سبکهای زندگی هدایت می‌کند، مفهوم سرمایه است. وی سرمایه را تنها سرمایه اقتصادی نمی‌داند و قایل به انواع سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، نمادین و اقتصادی و... است. از این رو، منشأ تمایز میان افراد را در ترکیب انواع سرمایه و حجم آنها تلقی می‌کند. «عاملان اجتماعی در بُعد اول براساس میزان کلی سرمایه‌های مختلفی که دارا هستند و در بُعد دوم براساس ساختار سرمایه‌هاشان، یعنی براساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه، که به صورت جداگانه دارا هستند، توزیع می‌شوند.» (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۴) همچنین وی تمایز و تملک انواع سرمایه‌ها را منشأ تفاوت در ذائقه‌ها می‌داند و از انواع ترجیحات ذائقه‌ای در موسیقی، غذا و آشپزی، ورزش، علایق سیاسی، ادبیات و حتی آرایش مو سخن می‌گوید (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۰۰). در این مقاله نیز برای بررسی سبک زندگی جوانان به این ترجیحات توجه شده است. سرمایه اصلی در این پژوهش سرمایه مذهبی (دینداری) است که بوردیو در بحث خود از معنا، ارزش، اخلاق و جهان بینی و به طور کلی تأثیر فرهنگی همپای سیاست و اقتصاد در طبقه بندی اجتماعی و در نهایت سبک زندگی مطرح می‌کند (مهدوی کنی: ۱۶۶). دیلون^۱ معتقد است مذهب از نظر بوردیو نظام نمادینی است که همزمان، هم ساخت یافته و هم ساخت دهنده است (دیلون، ۲۰۰۱). از دیرباز، دین یکی از عناصر اساسی در جامعه ایرانی به شمار می‌رفته و تا به امروز نیز عاملی پایدار در کنش و رفتار فردی و اجتماعی است. به عبارتی فضای اجتماعی مورد نظر بوردیو که بستر شکل گیری سرمایه‌هاست، در ایران فضایی دینی است که بر تشکیل سرمایه دینی افراد تأثیر می‌گذارد، هر چند ظهور مدرنیته و گسترش تدریجی آن در جوامع جهان سوم و از جمله کشور ما تأثیرات غیر قابل انکاری بر دین و ارزشهای دینی گذاشته است. از نظر ترنر، دین و مدرنیته می‌توانند همزیستی داشته باشند، اما این بدان معنا نیست که دین در دنیای مدرن تغییر نمی‌کند. بر عکس، مدرنیزاسیون تغییرات دینی مهمی به همراه می‌آورد. ترنر از مفهوم عادت واره^۲ بوردیو برای تأثیر دین و تحولات دینی بر سبک زندگی استفاده می‌کند. از نظر وی، تمایلات افراد که در نظریه بوردیو نشان دهنده ذائقه آنهاست، می‌تواند تمایلات دینی افراد را نیز توضیح دهد و اینکه چطور در اجرای وظایف دینی و مصرف کالاهای دینی (مانند غذای حلال) ذائقه خاصی پیدا می‌کند (ترنر: ۷).

به پیروی از چارچوب فکری و نظری بوردیو، همچنین به مدد آرای برایان ترنر پیرامون تغییرات دینی و تأثیر بر سبکهای زندگی در جهان مدرن، می‌توان بررسی کرد که چگونه شیوه‌های مختلف تملک سرمایه (از جمله سرمایه مذهبی) در داخل یک طبقه، منظمه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه به بار می‌آورد که همراه است با توقعات متفاوت بسیار تمایز یافته‌ای در مورد مصرف هنری، ائانیسه،

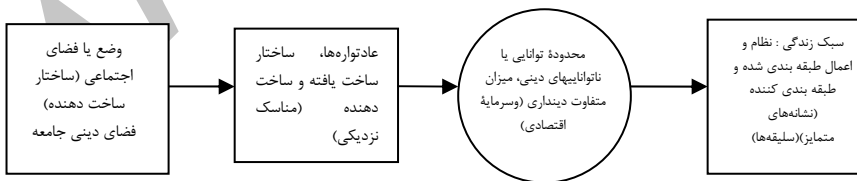
^۱ Dillon

ترتیب منزل، فعالیتهای فراغتی، مدیریت بدن و... که در واقع مؤلفه‌های سبک زندگی به شمار می‌روند.

در عین حال که سرمایه اصلی مورد نظر در این پژوهش سرمایه مذهبی یعنی میزان متفاوت دینداری است، به ترکیب سرمایه نیز توجه شده است. به عبارتی، از آنجا که به نظر بوردیو عامل طبقه پیوند تفکیک ناپذیری با سبک زندگی دارد، سرمایه اقتصادی که در اینجا پایگاه اجتماعی اقتصادی در نظر گرفته شده و سرمایه فرهنگی که براساس تحصیلات مورد سنجش قرار گرفته، مؤثر بر دینداری بوده‌اند و در نهایت با بالا و پایین کردن میزان دینداری، بر سبک‌های زندگی تأثیر گذاشته‌اند.

بنابراین، افراد و گروهها برحسب موقعیتهای متمایز و متفاوتی که در فضای اجتماعی دارند و بر گرفته از تملک سرمایه‌های گوناگون است، و در نتیجه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (عادت واره‌ها) در نظام طبقه بندی اجتماعی جایگاه مشخصی را کسب می‌کنند. از طریق این نظام، ترجیحات و ذائقه‌هایی در ذهن و اعمال شخص ایجاد می‌شود که در تمایز و گاهی در تضاد با افراد و گروههای دیگر است. این ترجیحات و ذائقه‌ها در محدوده سرمایه‌های فرد (فرهنگی، اقتصادی، نمادین) در قالب کنش‌ها و اعمالی بروز می‌یابند که سبکهای زندگی متمایز و متنوعی می‌آفریند (بوردیو، ۱۹۸۴، مهدوی کنی: صص ۱۶۵-۱۶۴). پس، افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای دینداری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تاحدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن و ... می‌شوند و در نهایت سبکهای زندگی آنها تحت نفوذ دین، یا کاهش نفوذ دین شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد. مدل زیر بیانگر چارچوب نظری یاد شده است:

مدل نظری تحقیق



با توجه به مباحث مطرح شده در چارچوب نظری و تحقیقات تجربی می‌توان فرضیه‌های اصلی را به شرح زیر استخراج کرد:

فرضیه‌های اصلی تحقیق

- بین میزان دینداری و انتخاب سبک‌های زندگی رابطه وجود دارد (به نحوی که، هر چه میزان دینداری فرد پایین‌تر می‌آید، سبک زندگی وی مدرن و مادی‌تر می‌شود و بالعکس).
 - بین میزان دینداری و مدیریت بدن رابطه وجود دارد (به نحوی که، هر چه میزان دینداری فرد پایین‌تر می‌آید، نظارت بر بدن بیشتر و مدرن‌تر می‌شود و بالعکس).
 - بین میزان دینداری و مصرف مادی فرد رابطه وجود دارد (به نحوی که، هر چه میزان دینداری پایین‌تر می‌آید، مصرف مادی هم مدرن‌تر می‌شود و بالعکس).
 - بین میزان دینداری و مصرف فرهنگی - هنری رابطه وجود دارد (به نحوی که هر چه میزان دینداری پایین‌تر می‌آید، مصرف فرهنگی مدرن‌تر می‌شود و بالعکس).
 - بین میزان دینداری فرد و روابط بین شخصی رابطه وجود دارد (به نحوی که هر چه میزان دینداری پایین‌تر می‌آید، روابط مدرن‌تر می‌شود و بالعکس).
 - بین میزان دینداری و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد (به نحوی که، هر چه میزان دینداری پایین‌تر می‌آید، و نحوه گذران اوقات فراغت مدرن‌تر می‌شود و بالعکس).
- فرضیه‌های فرعی تحقیق عبارت‌اند از:
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان دینداری رابطه وجود دارد (به نحوی که هر چه پایگاه فرد بالاتر می‌رود، میزان دینداری وی پایین‌تر می‌آید).
 - بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، تحصیلات، وضع تأهل) و سبک زندگی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

در این مقاله، میزان دینداری متغیر مستقل و اصلی و سبک زندگی متغیر وابسته است. منظور از دینداری در این تحقیق به طور کلی التزام فرد به دین اسلام در ابعاد مختلف آن است؛ این ابعاد که شامل بُعد اعتقادی^۱، بُعد تجربی (عاطفی)^۲، بُعد پیامدی^۳ و بُعد مناسکی^۴ اند برگرفته از ابعاد معروف گلاک و استارک هستند و در کشور ما نیز بسیاری از محققان آن را با دین اسلام انطباق داده و ارزیابی کرده‌اند (سراج زاده: ۱۳۸۴، طالبان: ۱۳۷۷ و...). آلفای به دست آمده برای متغیر دینداری ۰/۹۱ بوده است.

¹ Ideological

² Experimental

³ Consequential

⁴ Ritual

سبک زندگی آن چنان که در مباحث نظری مطرح شد، طیفی از عملکردها، نگرشها، رفتارها، بینشها، سلاقی، ترجیحات و فعالیتهای روزمره زندگی همچون اوقات فراغت، مصرف فرهنگی- هنری و مصرف مادی، روابط بین شخصی و مدیریت بدن را در برمی گیرد و همین موارد در تحقیق حاضر، پنج مؤلفه اصلی سبک زندگی به حساب می آیند. آلفای به دست آمده برای سبک زندگی ۰/۸۴ است.

روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. پس از اجرای آزمون مقدماتی، مقدار آلفای کرونباخ برای تأیید پایایی ابزار پژوهش محاسبه و همچنین در اعتباریابی سوالات اعتبار صوری و اعتبار معیار مشخص شد.

در این تحقیق جامعه آماری، شهر تهران به عنوان کلان شهری است که تحت تأثیر ویژگیهای زندگی مدرن، سبکهای جدید زندگی و تحولات سریع فرهنگی و اجتماعی است. از آنجا که روش تحقیق مقایسه‌ای است، از دو طبقه بالا و پایین شهر تهران برای مقایسه تفاوتها و شباهتهای سبک زندگی و دینداری نمونه گیری شد. بر این اساس جمعیت آماری شامل دختران و پسران جوان ۲۹-۱۸ سال مناطق بالا و پایین تهران است که براساس سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران تعداد جمعیت آنها ۱۲۲۷۴۰۲ نفر است.

با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۲۶۶ نفر به دست آمد که برای بالا بردن دقت نمونه گیری نهایتاً ۲۹۴ پرسشنامه بررسی شد. نمونه گیری براساس روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

در پژوهش حاضر ۷۵/۵ درصد زنان و ۴۲/۵ درصد مرد بوده‌اند. نتایج نشان داد که همه متغیرهای زمینه‌ای تحقیق مانند سن، تحصیلات و وضعیت تأهل با سبک زندگی رابطه معنادار دارند و تنها متغیر جنس با سبک زندگی رابطه نداشت. به نحوی که، هر چه سن بالاتر می‌رود سبکهای زندگی سنتی‌تر و هر چه پایین‌تر می‌آید سبکهای زندگی مدرن‌تر می‌شود، هر چه تحصیلات بالاتر می‌رود سبکهای زندگی مدرن‌تر و هر چه تحصیلات پایین‌تر می‌آید سبکهای زندگی سنتی‌تر می‌شود.

افراد متأهل بیشتر دارای سبکهای زندگی غیر مدرن هستند و افراد مجرد به سبکهای زندگی مدرن گرایش دارند. البته، از آنجا که جامعه آماری را، جوانان تشکیل می‌دهند و درصد بالایی از جمعیت نمونه، مجرد یا در سنین زیر ۲۵ سال هستند، بیشتر از هر گروه سنی دیگری در معرض مدرنیته، مد و مصرف‌گرایی‌اند و به همین دلیل، درصد سبکهای زندگی مدرن

براساس نظرات ترنر، وبر، زیمل، بوردیو و ... دینداری از مقولات مؤثر بر سبک زندگی و منش افراد است و در اینجا به عنوان متغیری مستقل در سبک‌های زندگی جوانان در نظر گرفته شده است. بررسی این متغیر نشان می‌دهد که میزان دینداری ۶۸ درصد افراد، بالاست. درصد بسیار کمی نیز از لحاظ دینداری در سطح پایین قرار می‌گیرند، یعنی کمتر دیندار هستند. البته هر چه از بُعد اعتقادی و ابعاد ذهنی دینداری به ابعاد عملی‌تر آن نزدیک می‌شویم، میزان دینداری هم به شکل قابل توجهی در میان جوانان کاهش می‌یابد. به نحوی که، در بُعد مناسکی که در واقع اعمال دینی روزمره و فرایض را شامل می‌شود، درصد قابل توجهی به لحاظ دینداری در سطح متوسط و پایین قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ابعاد دینداری

ابعاد دینداری	اعتقادی		عاطفی		پیامدی		مناسکی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بالا	۲۶۲	۸۹/۱	۲۰۱	۶۸/۴	۱۵۶	۵۳/۱	۹۴	۳۲/۰
متوسط	۲۷	۹/۲	۸۹	۳۰/۳	۱۲۸	۴۳/۵	۱۲۸	۴۳/۵
پایین	۴	۱/۴	۱	۰/۳	۹	۳/۱	۷۱	۲۴/۱
بی جواب	۱	۰/۳	۳	۰/۱	۱	۰/۳	۱	۰/۳
جمع	۲۹۴	۱۰۰	۲۹۴	۱۰۰	۲۹۴	۱۰۰	۲۹۴	۱۰۰

از طرفی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که داشتن پایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوت (طبقات بالا و متوسط، پایین) به شدت بر میزان دینداری (که سرمایه مؤثر بر سبک زندگی در نظر گرفته شده) تأثیر گذاشته و در نهایت با سبک زندگی نیز رابطه دارد. به نحوی که، تنها در ۲۶ درصد جوانان طبقه بالا، میزان دینداری بالا بوده، در حالی که این رقم برای جوانان طبقه پایین ۹۵ درصد است.

سبک زندگی، متغیر وابسته بوده که با مؤلفه‌های اصلی آن (که از نظریه‌های متفکران حوزه سبک زندگی مثل بوردیو، زیمل، وبلن، ... برداشت شده اند) مثل نوع خوراک، پوشاک، علایق فرهنگی، اوقات فراغت و مدیریت بدن سنجیده شده است. برای شاخص سازی و عملیاتی کردن سبک زندگی در مؤلفه مصرف مادی، سلايق تزیینی، غذایی، پوشاکی و انتخاب لباس را در نظر گرفته ایم. مصرف فرهنگی هنری سلايق سینمایی، ادبی و موسیقایی، در مورد مدیریت بدن عملکردهایی چون کنترل وزن به وسیله رژیم و ورزش، دستکاری‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی، در مورد اوقات فراغت گویه‌های مربوط به ملاقات و گردش، رفتن به اماکن تفریحی و سفر، فعالیت‌های ورزشی و سرگرمیها و در نهایت در مورد روابط بین شخصی نگرش به زن، تقسیم وظایف خانگی و مناسبات خانوادگی را مدنظر داشته ایم. آلفای کرونباخ کل آنها در قالب سبک زندگی ۰/۸۴ است. همان طور که جدول زیر نشان می‌دهد، ۱۵/۵ درصد جوانان دارای سبک زندگی مدرن و تنها ۶/۹ درصد سبک زندگی سنتی داشته اند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سبک زندگی

سبک زندگی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
مدرن	۴۵	۱۵.۳	۱۵.۵
ترکیبی	۲۲۵	۷۶.۵	۷۷.۶
سنتی	۲۰	۶.۸	۶.۹
جمع	۲۹۰	۹۸.۶	۱۰۰

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مؤلفه‌های سبک زندگی

مؤلفه‌های سبک زندگی	مدرن		ترکیبی	سنتی	بی جواب	جمع
	تعداد	درصد				
مصرف مادی	۱۸	۶/۱	۲۲۱	۵۴	۱	۲۹۴
			۷۵/۲	۱۸/۴	۰/۳	۱۰۰
مصرف فرهنگی هنری	۳۳	۱۱/۲	۲۰۱	۴۳	۱۷	۲۹۴
			۶۸/۴	۱۴/۶	۵/۸	۱۰۰
مدیریت بدن	۹۶	۳۲/۷	۴۹۴	۳	۱	۲۹۴
			۶۶	۱	۰/۳	۱۰۰
اوقات فراغت	۲۳	۷/۸	۱۸۵	۸۵	۱	۲۹۴
			۶۲/۹	۲۸/۹	۰/۳	۱۰۰
روابط بین شخصی	۸۷	۲۹/۶	۱۹۴	۱۲	۱	۲۹۴
			۶۶	۱/۴	۰/۳	۱۰۰

یافته‌های تبیینی

میان همه مؤلفه‌های سبک زندگی و میزان دینداری ارتباط معنادار وجود دارد غیر از متغیر روابط بین شخصی. شاید سنجش چنین متغیری به کاری کیفی و مصاحبه‌ای عمیق با جوانان نیاز داشت که در محدوده وقت و هزینه این تحقیق نمی‌گنجید.

میزان دینداری و اوقات فراغت از جمله مؤلفه‌هایی بودند که نسبت به سایر مؤلفه‌ها همبستگی بالایی داشتند. نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که گرایش به اوقات فراغت سنتی نسبت به اوقات فراغت مدرن بیشتر است. البته در سنجش رابطه‌ها، افراد دیندارتر بیشتر به اوقات فراغت ترکیبی گرایش نشان دادند تا سنتی و افراد کمتر دیندار شیوه مدرن گذران اوقات فراغت را بر ترکیبی و سنتی ترجیح می‌دادند. اما به طور کلی اوقات فراغت ترکیبی نسبت به مدرن و سنتی درصد بالاتری دارد. در بررسی شاخصهای سنجش اوقات فراغت دیده می‌شود، درصد کسانی که اصلاً به مسجد نمی‌روند، چه دیندار و چه کمتر دیندار، درصد بسیار بالاست. همچنین درصد بسیار پایینی همیشه به مسجد

می‌روند. در رفتن به اماکن مقدس این مسأله متعادل‌تر به نظر می‌رسد. به نحوی که، درصد قابل توجهی گاهی به این اماکن می‌روند، (چه دیندار و چه غیردینی) هر چند دیندارها بیشتر رفتن به اماکن مقدس و سفر زیارتی گرایش دارند. البته گرایش به سفر سیاحتی-زیارتی بیشتر از گرایش به سفر سیاحتی و گرایش به سفر سیاحتی بیشتر از گرایش به سفر صرفاً زیارتی است. رفتن به پارتی به عنوان فراغتی مدرن برای درصد بالایی از پاسخگویان هرگز اتفاق نیفتاده بود (چه دینی و چه غیردینی) و درصد بسیار کمی همیشه به پارتی می‌روند. همچنین ۳۰ درصد پاسخگویان که البته بیشتر افراد دیندارتر را شامل می‌شود، هرگز ماهواره تماشا نمی‌کنند. اما ۳۰ درصد پاسخگویان نیز، همیشه یا اکثر اوقات برنامه‌های ماهواره را می‌بینند و البته این مسأله نیز بیشتر در میان جوانانی دیده می‌شود که میزان دینداری آنها پایین‌تر است.

به طور خلاصه، افراد دیندارتر گرایش بیشتری برای رفتن به اماکن مقدس و مسجد، سفرهای زیارتی، خانه اقوام و تماشای تلویزیون نشان می‌دهند. در حالی که، افراد با میزان دینداری پایین‌تر گرایش بیشتر برای رفتن به پارتی و باشگاه، سفرهای سیاحتی و تماشای ماهواره نشان می‌دهند.

جدول شماره ۴: سبک زندگی بر حسب میزان دینداری

میزان دینداری			سبک زندگی
بالا	متوسط	پایین	
۴۰	۳۸.۴	۶۱.۵	غیر دینی
۸۵.۹	۶۱.۶	۳۸.۵	ترکیبی
۱۰.۱	۰	۰	دینی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
Sig (سطح معناداری)			Tau-b کندال
۰.۰۰			۰.۴۶

جدول شماره ۵: آزمون همبستگی مؤلفه‌های سبک زندگی

آزمون	متغیر	مصرف	مصرف فرهنگی	مدیریت	اوقات	روابط بین
		مادی	هنری	بدن	فراغت	شخصی
Tau-b کندال		۰.۴۵	۰.۲۸	-۰.۲۷	۰.۵۴	۰.۰۴۹
Sig (سطح معناداری)		۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۳۹

بنابه تعریف، مدیریت بدن مفهومی است مدرن که به معنای مراقبت دائمی، توجه همیشگی به آراستگی، اهمیت مدهای بدنی و ... است و مفهوم بهداشت و آراستگی با موازین و احادیث اسلامی

ما متفاوت است. چرا که در مدیریت بدن، اهمیت به زیبایی و آرایش مدرن از اهداف و دغدغه‌های هویتی انسان جدید قلمداد می‌شود. در حالی که، در موازین شرعی، به آراستگی چهره، بوی خوش داشتن و پوشش مناسب در حد اعتدال سفارش شده است. از دیدگاه گیدنز، بدن به صورت جزئی بازتابنده از دنیای امروز درآمده است، به این معنا که رژیم‌های ویژه بدن سازی و توجه به آراستگی و نظافت جسم در طی دوره اخیر تجدد، بدن را در برابر گرایش‌های بازتابی مداوم، بویژه در شرایطی که کثرت انتخاب وجود داشته باشد، تأثیرپذیر ساخته است. البته، این پدیده از نظر گیدنز فقط به عنوان تغییر الگوهای آرمانی ظواهر جسمانی (مثلاً جوان نمایی) یا تأثیرات بازتابی تبلیغات تجارتي نمی‌تواند تفسیر و تحلیل شود، بلکه واقعیت این است که ما بیش از پیش مسؤول طراحی بدن‌های خویش می‌شویم و هر چه فعالیت‌های اجتماعی ما از جامعه سنتی بیشتر فاصله گرفته باشد، فشار این مسؤولیت را بیشتر احساس می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

نتایج تحقیق نیز همین نظریه را تأیید می‌کند، زیرا تنها در ۱ درصد جمعیت نمونه مدیریت بدن در حد پایین بوده است و از آنجا که جامعه آماری ما جوانان هستند به نظافت بدن، پوشش و آرایش خود بسیار اهمیت می‌دهند. برای حدود ۵۰ درصد جمعیت نمونه، آرایش مو، حدود ۶۰ درصد، آرایش صورت و زدن عطر و ادکلن و حدود ۷۰ درصد، اتوی لباس و ۲۰ درصد، آرایش ناخن اهمیت داشته است. کاهش وزن و داشتن رژیم‌های غذایی و ورزش مناسب نیز از معیارهای اساسی اهمیت دادن به بدن در زندگی مدرن امروزی است که آنتونی گیدنز به تفصیل در مورد آن بحث کرده است (ن. ک: گیدنز، ۱۳۷۸). یافته‌ها نشان می‌دهد که برای ۷۰ درصد جوانان نمونه ما داشتن رژیم و ورزش همزمان یا یکی از آنها اهمیت داشته است، هرچند، افراد دیندار کمتر به این مقوله توجه نشان داده‌اند. همچنین حدود نیمی از جمعیت نمونه، موافق جراحی زیبایی بینی و صورت به عنوان پدیده‌ای برای زیباتر شدن چهره معتقد بودند. البته بیشتر آنها افرادی کمتر دیندار هستند و افراد دیندار این امر را بیشتر دخالت در خلقت و آفرینش خداوند دانسته‌اند. بنابراین، هر چه افراد گرایش‌های سنتی‌تر و دینی‌تری داشته‌اند به همان نسبت توجهشان به مدیریت بدن پایین‌تر بوده و برعکس.

در بُعد هنجارهای مصرف (چه مادی و چه فرهنگی - هنری) اکثر جمعیت نمونه، مصرفی میانه یعنی ترکیبی از مدرن و سنتی داشته‌اند. در بُعد مصرف مادی به خصوص در انتخاب وسایل منزل، پدیده مد بودن اهمیت بسیاری داشته است و درصد بالایی، مد بودن و هماهنگ بودن وسایل را ملاک مهمی در انتخابشان دانسته‌اند. در خرید تابلوهای زینتی، برای دیندارها معیار سنتی بودن و برای افراد کمتر دیندار ملاک‌های مدرن بودن به یک اندازه اهمیت داشته‌اند. در تهیه لباس نیز برای ۳۵ درصد جمعیت نمونه مارک داشتن و همین‌طور خارجی بودن لباس اهمیت داشته است و برای ۲۳ درصد جمعیت پوشیدگی و ارزانی لباس مهم بوده. در نوع پوشش خانمها، جمعیت کمتری عقیده به پوشیدن مانتوی کوتاه داشتند و اکثراً مانتوهای معمولی را ترجیح می‌داده‌اند. هرچند افراد دیندارتر

چادر و ماتنوی بلند را ترجیح می‌دهند. پدیده قابل توجه اینکه، در مصرف غذاها و گوشت، ۵۱ درصد جمعیت نمونه حلال بودن برایشان خیلی زیاد اهمیت داشته و برای در صد بسیار کمی از افراد این مسئله کم اهمیت بوده است. اما هنگامی که خارجی بودن و مارک دار بودن خوراکیها مطرح می‌شود این اهمیت تا حدودی تعدیل می‌شود و این بیانگر اهمیت پدیده مارک و مد در دوران جدید به خصوص برای نسل جوان است.

از عمده‌ترین ویژگیهای غیر مادی مدرنیته درواقع مصرف فرهنگی - هنری از قبیل رفتن به سینما، گوش دادن به موسیقی و مطالعه است که در جوامع مدرن و پیشرفته همپای مصارف مادی رواج یافته و رشد کرده است، اما در جامعه ما و نمونه مورد بررسی توجه اندکی به مصارف فرهنگی دیده می‌شود. به نحوی که، نیمی از جمعیت نمونه، خریدن کتاب را بسیار کم اهمیت دانسته اند، ۵۷ درصد جمعیت به ندرت سینما می‌روند یا اصلاً نمی‌روند، و برای ۳۰ درصد، یادگیری موسیقی اهمیت پایینی دارد. البته در این مؤلفه بین افراد با میزان دینداری بالا و پایین اختلاف زیادی دیده نمی‌شود. در عین حال، افراد مدرن بیشتر فیلمهای هالیوودی و مدرن و افراد مذهبی و سنتی تر بیشتر به فیلمهای خانوادگی و دینی گرایش داشتند، هر چند تعداد افرادی که هر دو نوع این فیلمها را تماشا می‌کنند بیشتر است.

در مقوله کتاب تنها ۱۴ درصد افراد به خواندن کتابهای دینی و مذهبی می‌پردازند و اکثریت جمعیت نمونه یعنی ۴۶ درصد علاقه مند به خواندن شعر و رمان هستند. این پدیده در علاقه مندی به انواع موسیقی نیز چشمگیر است، به طوری که، ۴۰ درصد پاسخگویان پیشتر به موسیقی پاپ خارجی و ایرانی گوش می‌دهند تا موسیقی سنتی و مذهبی. البته تعداد کسانی که به صورت ترکیبی هم به موسیقی پاپ و هم سنتی گوش می‌دهند بیشتر از سایر گروه‌هاست.

نتیجه گیری

رویکرد نظری بورديو در مورد سبک زندگی، از آنجا که تمایزات را از رهگذر شیوه‌های مختلف تملک سرمایه (چه اقتصادی و چه فرهنگی) بررسی می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. وی با این چارچوب نشان می‌دهد که چرا شیوه‌های مختلف تملک سرمایه در داخل یک طبقه، منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه به بار می‌آورد که با توقعات متفاوت بسیار تمایز یافته در مورد ورزش، رژیم غذایی، هنرها، اثاثیه، دکوراسیون منزل و فعالیتهای فراغتی همراه است (چنی، ۱۱۳) بر این اساس، سرمایه مذهبی (دینداری) که در پژوهش حاضر سرمایه اصلی محسوب می‌شد، با اغلب مؤلفه‌های سبک زندگی رابطه معناداری را نشان داد، به طوری که می‌توان ویژگیهای سبک زندگی فرد دیندار را از سبک زندگی فرد کمتر دیندار متمایز ساخت. در عین حال، از آنجا که جامعه ایرانی (حتی جوانان) هم بایند سنتها و موازین دینی (به خصوص در ابعاد اعتقادی و عاطفی) هستند و هم در

معرض مدرنیته قرار دارند و از طریق ماهواره، دانشگاه، اینترنت، سفرهای سیاحتی، تبلیغات گسترده و دانش امروزی به ویژه با خصوصیات مادی و مصرف تظاهری مدرنیته آشنا می‌شوند، دائماً در حال گذر از این مرحله اند. پدیدهٔ تقابل سنت و مدرنیته، و دین و مدرنیته منحصر به جامعهٔ ایرانی نیست، بلکه اغلب کشورهای در حال توسعه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. داشتن سبکهای زندگی ترکیبی و التقاطی یعنی هم دارای معیارهای زندگی سنتی، هم شامل معیارها و انتخابهای زندگی مدرن از پدیده‌های بارز زندگی امروز ایرانی است که در کلان شهری چون تهران و بنابه یافته‌های تحقیق فعلی محرز و قابل مشاهده است. البته این بدان معناست که مدرنیته و تمامی جوانب آن به آسانی نمی‌تواند در زندگی روزمرهٔ انسانها و جوامعی که دینی هستند به راحتی عمومیت یابد. در حقیقت این امر تأیید کنندهٔ اندیشهٔ صاحب نظرانی چون برگر و دیگران در مورد متناقض نبودن دین و مدرنیته است. به نحوی که به همان اندازه که برخی از شهروندان برای یک سویه کردن زندگی مدرن تلاش می‌کنند، تلاش‌هایی نیز برای گسترش سبک زندگی کاملاً سنتی صورت می‌گیرد.

بنابراین باید توجه داشت همان طور که در تحلیل داده‌های سبک زندگی دیده شد، پدیدهٔ اهمیت دادن جوانان به مد و مارک، مهم شمردن مدیریت بالای بدن، گرایش به سرگرمی‌هایی چون پارتی‌ها و برتری سفرهای سیاحتی بر زیارتی و به طور کلی سبک زندگی مدرن نشان دهندهٔ سیر افزایشی توجه جامعهٔ ایرانی و به خصوص جوانان به مدرنیته و نتایج آن است. هر چند گرایش‌های سنتی در برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی، مثل نوع پوشش، نوع تغذیه، سلاخی تزئینی و ... هنوز چشمگیر است.

منابع فارسی

- استوری، ج. (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، مترجم حسین پایند؛ تهران: نشر آگاه.
- آزادارمکی، ت. و شالچی، و. (۱۳۸۴). دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ، فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴، دوره اول، ۱۳۸۴.
- برگر، پ. و برگر، ب. وهانسن ف. ک. (۱۳۷۷). تجدد و ناخرسندیهای آن، ترجمه محمد رضا پور جعفری، مجله ارغنون، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۷.
- بوردیو، پ. ی. (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ترنر، ب. (۱۳۸۷). مصاحبه دین و مدرنیته، ترجمه هادی نیلی، سایت نشریه علمی اجتماعی جامعه‌شناسی ایران.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۳). تحلیلی از اندیشه بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، خرداد ۱۳۸۳.
- جلیلی، ه. (۱۳۸۵). تأملاتی درباره سکولار شدن، نشر طرح نو، ۱۳۸۵.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۵). پی بر بوردیو، ترجمه لیلی جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- جهانبگلو، ر. (۱۳۷۹). ایران و مدرنیته، تهران: نشر گفتار.
- چنی، د. (۱۳۸۲). سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، نسخه چاپ نشده.
- حقیقی، ش. (۱۳۸۳). گذار از مدرنیته، تهران: نشر آگاه.
- دواس، د. ا. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زیمل، ج. (۱۳۷۲). کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف ابادری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، جلد ۲، بهار ۱۳۷۲.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۸). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سربای، ح. (۱۳۷۲). مقدمه بر نمونه گیری، تهران: انتشارات سمت.
- سیدمان، و. ... (۱۳۷۷). دین، اینجا، اکنون، ترجمه مجید محمدی، تهران: نشر قطره.
- شویره، ک. ی. و فونتن، ا. (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: نشر صبح صادق.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- مردیها، م. (۱۳۸۰). کنکاش در آرای بوردیو، نشریه کتاب هفته، شماره ۴۷، ۱۳۸۰.
- مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- وبر، م. (۱۳۸۴). دین، قدرت و جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر هرمس.
- وبلن، ت. (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- ویلیامز، ژ. پ. (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم.
- هندری، ل. ب. و دیگران. (۱۳۸۱). اوقات فراغت و سبکهای زندگی جوانان، ترجمه فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، سازمان ملی جوانان، تهران: نسل سوم.

منابع انگلیسی

- Allard, C. (2005). **Capitalizing on Bourdieu, Theory and 27 Research in Education**, 3, 63: 79-63.
- Bourdieu, P. (1984). **Distinction**, translated by Richard Nice
- Dillon, M. (2001). **Pierre Bourdieu, Religion, and Cultural Production**, *Cultural Studies*. 1, 411: 429-411.
- Riis, O. (1993). **The Study of Religion in Modern Society**, *Acta Sociologica*, vol 36, pp. 371-383.
- Stebbins, R. A. (1997). **Lifestyle as a generic concept in ethnographic research**, *Kluwer Academic*, 31: 360-347
- Turner, B. and Edmunds, T. (2002). **The Distate of Taste, Bourdieu, cultural capital and Australian**, *Journal of Consumer Culture*. Vol 2, pp. 219-244.